

# **Designing an Optimal Model for the Role of Civil Society in Crime Prevention within the Iranian Criminal Justice System**

1. Sayed Heydar Hoseyni: Department of Law, Kish International branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran
2. Saleh Abdinezhad\*: Visiting Assistant Professor, Department of Law, Kish International branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. Email: salehlawyer29@gmail.com (Corresponding Author)
3. Alireza Shekarbeigi: Assistant Professor of Law Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

## **ABSTRACT**

The present study aims to design an optimal model for the role of civil society in crime prevention within the Iranian criminal justice system. To address this issue, a qualitative research strategy utilizing thematic analysis was employed. The research data were collected through semi-standardized interviews with 12 experts in the fields of criminal law and criminology, who were selected using theoretical sampling. The data were analyzed through thematic network analysis, and a conceptual network measurement model was constructed. The findings from the qualitative research indicated that the design of an optimal model for the role of civil society in crime prevention within the Iranian criminal justice system includes the overarching theme of: 1) External strategies, which encompass updating and resolving legal and regulatory issues, adopting preventive criminal policy, addressing implementation problems, strengthening the position of civil society, enhancing social capital within the community, promoting public education and awareness, and resolving socio-economic issues; and 2) Internal strategies, which consist of applying knowledge management in crime prevention and strengthening the structure and management of civil society institutions. Additionally, to validate the constructed themes and model, two methods were used: the communicative validation approach and the auditing method. For reliability assessment, two methods were employed: repeatability and transferability.

**Keywords:** *Crime Prevention, Minimalist Criminal Policy, Civil Society, Functions of Civil Society.*

How to cite: Hoseyni, S. H., Abdinezhad, S. & Shekarbeigi, A. (2024). Designing an Optimal Model for the Role of Civil Society in Crime Prevention within the Iranian Criminal Justice System. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(1), 115-134.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Received 15 April 2024  
Revised 02 June 2024  
Accepted 08 June 2024  
Published online 19 June 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## طراحی الگوی مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در نظام کیفری ایران

۱. سید حیدر حسینی: گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

۲. صالح عبدی نژاد: استادیار مدعو گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. پست الکترونیک: salehlawyer29@gmail.com

(نویسنده مسئول)

۳. علیرضا شکرپیگی: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد طراحی الگوی مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در نظام کیفری ایران است. برای پردازش مسأله، از راهبرد پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه استاندارد با ۱۲ نفر از خبرگان حوزه جزا و جرم‌شناسی که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده بودند؛ گردآوری گردید و با کاربست روش تحلیل مضمون از نوع شبکه‌ی مضامین مورد تحلیل و مدل مفهومی اندازه‌گیری شبکه‌ای برساخته شد. یافته‌های پژوهش کیفی نشان داد که طراحی مدل مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در نظام کیفری ایران شامل مضمون فراگیر: ۱- راهکارهای برون‌سازمانی شامل: روزآمدی و مرتفع نمودن مشکلات قانونی و حقوقی، اتخاذ سیاست جنایی پیشگیرانه، مرتفع نمودن مشکلات اجرایی و تقویت جایگاه جامعه مدنی، تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه، فرهنگ سازی و آموزش همگانی و نیز مرتفع نمودن مسائل اقتصادی و اجتماعی و ۲- راهکارهای درون‌سازمانی شامل: اعمال مدیریت دانش در پیشگیری از جرم و نیز تقویت ساختار و نحوه مدیریت نهادهای جامعه مدنی تشکیل شده است. علاوه بر آن، جهت «اعتبارسنجی» مضامین و مدل برساخته‌شده، از دو روش ارزیابی اعتبار به شیوه‌ی ارتباطی و نیز روش ممیزی و به منظور «پایایی سنجی» از دو روش قابلیت تکرارپذیری و نیز قابلیت انتقال یا تعمیم‌پذیری استفاده شده است.

**کلیدواژگان:** پیشگیری از جرم، سیاست کیفری حداقلی، جامعه مدنی، کارکردهای جامعه مدنی

حسینی، سید حیدر، عبدی نژاد، صالح، و شکرپیگی، علیرضا. (۱۴۰۳). طراحی الگوی مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در نظام کیفری ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۱)، ۱۱۵-۱۳۴.

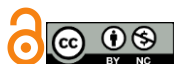
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۶ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۲ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳



امروزه تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن و به تبع آن گسترش و توسعه‌ی رسانه‌های جمعی و پیچیده‌تر شدن فعالیت‌های انسانی جرم و جنایت در جامعه نیز تغییر کرده و از نوعی پیچیدگی و تنوع برخوردار شده است. همین مسئله سبب شده است تا جوامع با بازنگری در قوانین خود به جای تامل در نظام تنبیهی و سرکوبگرانه نوعی سیاست پیشگیرانه و ترمیمی لحاظ نمایند از این رو در تعریف سیاست جنایی پیشگیرانه می‌توان بیان داشت که مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاست جنایی است که غایت انحصاری یا غیر کلی آن، تحدید حدود امکان رخداد مجموع اعمال جنایی از طریق غیرممکن الوقوع ساختن یا دشوار کردن یا احتمال وقوع آن را پایین آوردن است، بدون اینکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شوند (Gessen, 1997). بنابراین در تعریف پیشگیری همواره دو نظریه موسع و مضیق وجود دارد بر اساس مفهوم مضیق، پیشگیری از جرم عبارت است از شیوه‌های غیر قهرآمیز که دولت جهت مهار بزه‌کاری‌ها از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصت‌های مناسب ارتکاب جرم را فراهم می‌کند به کار می‌گیرد در این تعریف فقط تدابیر قبل از ارتکاب جرم مورد توجه است و به تدابیر کیفری پس از ارتکاب جرم به عنوان یک اقدام پیشگیرانه توجهی نمی‌شود (Ebrahimi, 2008). در تعریف موسع یا عام پیشگیری به هرگونه تدابیری که برای مقابله با جرم خواه پیش از وقوع آن باشد و خواه پس از وقوع به کار آید گفته می‌شود. از همین مجرا اعمال کیفری نیز می‌تواند در قالب پیشگیری از وقوع جرم مطرح گردد (Tavasoli Zadeh, 2013). آنچه از تعریف سیاست پیشگیرانه قابل برداشت است این موضوع می‌باشد که اولاً، عمدتاً مبارزه حقوقی با هر جرم و بزه‌ای در سه سطح تقنینی، اجرایی و پیشگیری اعمال می‌شود هر چند هر یک از این سه امر نقش مهم و بی‌بدیلی در مبارزه با جرائم می‌توانند داشته باشند اما با توجه به تحولات حقوقی مدرن و گذر از نظام حقوقی تنبیهی و نیل به نظام حقوقی ترمیمی به نظر می‌رسد که نقش سیاست پیشگیری به نسب سیاست جنایی- تقنینی و اجرایی از اهمیت دو چندان برخوردار می‌باشد و ثانیاً؛ اهمیت و کارکرد فوق‌العاده جامعه مدنی در مبارزه با جرائم، کاهش حجم آن، اتخاذ سیاست پیشگیرانه و آگاهی بخشی و روشنگری سبب شده است تا بسیاری از کشورهای جهان مبادرت به تغییر در سیاست کیفری و جنایی- تقنینی خود نموده و ذیل عنوان «اصل حداقل بودن در نظام کیفری» نقش جامعه مدنی و نهادهای آن را پررنگ نمایند این دغدغه در قوانین جزائی ایران نیز در قالب تلاش‌های فراوانی در راستای حداقل سازی نظام کیفری و استفاده از سازوکارهای جامعه مدنی به عمل آمد به عنوان مثال می‌توان به مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، اجرای الزامات هشت‌گانه ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی که مستلزم توسل به مردم، نهادهای مردمی یا دست کم همکاری با آنهاست، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، تبصره ۱ ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۸۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص «میانجیگری قضایی» و غیره می‌توان نام برد علیرغم تمام توجه قانونگذاران و سیاست مداران جهت به کارگیری و بهره‌برداری از جامعه‌ی مدنی و مکانیسم‌های آن اما این مسئله همچنان در ایران نتوانسته است به وضعیت مطلوب خود نائل آید از این رو مقاله‌ی حاضر تلاش نموده با مراجعه و مصاحبه با خبرگان و کارشناسان حوزه‌ی جامعه مدنی و سیاست جنایی پیشگیرانه مدل مناسب جهت نیل به وضع مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در نظام کیفری ایران ارائه دهد موضوعی که می‌توان ضمن توجه به نقش جامعه‌ی مدنی و اهمیت پیشگیرانه آن زمینه‌ی لازم جهت چگونگی استفاده از آن را فراهم آورد.

## تعریف جامعه مدنی

جامعه مدنی به طور گسترده به عنوان فضای خارج از خانواده، بازار و دولت شناخته می‌شود که ترکیب آن از زمانی که این مفهوم برای اولین بار در دهه ۱۹۸۰ محبوبیت پیدا کرد، تکامل یافته و رشد کرده است و اکنون، طیف گسترده‌ای از گروه‌های سازمان‌یافته را شامل می‌شود که شامل سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های مردمی، گروه‌های مذهبی، شبکه‌ها و جوامع آنلاین است. فیلسوفان سیاسی اولیه اروپایی عمدتاً جامعه مدنی را در چهارچوب رابطه بین دولت و جامعه تعریف کردند (Mackey, 2021). متناسب با این گستردگی حوزه‌ی جامعه مدنی است که از نظر هاینز و حتی واضح‌تر از آن لاک دولت از جامعه مدنی سرچشمه گرفته، در نهایت پاسخگو است و بنابراین با جامعه مدنی (اما نه یکسان) شناخته می‌شود. به باور دیگر فیلسوفان، مانند مونتسکیو و توکویل، جامعه مدنی حداقل تا حدی در تقابل با دولت قرار دارد. مارکسیست‌هایی مانند گرامشی جامعه مدنی را با قلمروهایی خارج از قدرت دولت می‌شناسند. این تعاریف از جامعه مدنی به صورت رابطه‌ای در ادبیات اخیر نیز منعکس شده است. فوکویاما جامعه مدنی را قلمرویی تعریف می‌کند که ساختارهای اجتماعی را جدا از دولت که زیربنای نهادهای سیاسی دموکراتیک هستند به وجود آورده است. البشر جامعه مدنی را «شبکه غیررسمی روابط» می‌داند. او معتقد است که «روابط اجتماعی متقابل» چیزی است که یک جامعه را قوی می‌کند و تمرکز او بر روی اموال و معاملات تجاری است (Mackey, 2021). بنابراین اعم تعاریف فوق نشان می‌دهد که جامعه‌ی مدنی از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است همان‌گونه که مرکز جامعه مدنی در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن از یک تعریف کاربردی استفاده می‌کند که شامل چهار بخش می‌شود و خانواده را به عنوان یک بخش دیگر اضافه می‌کند: «جامعه مدنی به عرصه کنش جمعی بدون اجبار حول منافع، اهداف و ارزش‌های مشترک اشاره دارد. در نظریه، اشکال نهادی آن از دولت و بازار متمایز است، اگرچه در عمل، مرزهای بین دولت، جامعه مدنی و بازار اغلب پیچیده، مبهم و مورد بحث است (Kastrati, 2016). جامعه مدنی معمولاً دارای تنوع فضاها، بازیگران و اشکال نهادی است که از نظر درجه رسمیت، استقلال و قدرت متفاوت است. جوامع مدنی اغلب شامل سازمان‌هایی مانند موسسات خیریه ثبت شده، سازمان‌های غیردولتی توسعه‌ای، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های زنان، سازمان‌های مذهبی، انجمن‌های حرفه‌ای، اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های خودیاری، جنبش‌های اجتماعی، انجمن‌های تجاری، ائتلاف‌ها و گروه‌های ذی‌نفع می‌شوند. این تعریف جامعه مدنی را به عنوان بخشی از جامعه نه به طور مستقیم بخشی از دولت، توصیف می‌کند، که متشکل از سازمان‌های مختلف بوده و به نفع منافع مشترک عمل می‌کنند (Kastrati, 2016). بحث در مورد جامعه مدنی که به عنوان یک حایل بین دولت و فرد تلقی می‌شود توسط ارنست گلنر ادامه می‌یابد، که به صراحت جامعه مدنی را این‌گونه توصیف می‌کند: «نهادهای غیردولتی متنوعی که به اندازه کافی قوی هستند تا دولت را متعادل کنند، و در عین حال مانع تحقق نقش آن به عنوان حافظ صلح و دآوری بین منافع اصلی نمی‌شود، اما می‌تواند مانع از تسلط دولت بر سایر بخش‌های جامعه شود» (Mackey, 2021). بر اساس تعاریف فوق می‌توان بیان داشت که جامعه مدنی شامل انجمن‌ها و شرکت‌های داوطلبانه و سایر نهادهای شرکتی است. یکی از مزایای این نوع تعریف این است که جامعه مدنی می‌تواند عملیاتی شود و به صورت تجربی مورد آزمایش و سنجش قرار گیرد.

## سیر تحول تاریخی جامعه مدنی

اگرچه جامعه مدنی اکنون به جوامع تمدن‌های مختلف مربوط می‌شود، اما ریشه جامعه مدنی عمدتاً در غرب نهفته است. رومی‌ها برای اولین بار از عبارت «societas civilis» صحبت کردند، اصطلاحی که سیسرو معرفی کرد. سقراط از این ایده حمایت می‌نمود که درگیری‌های درون جامعه باید از طریق بحث‌های عمومی حل شود، و افلاطون دولت ایده‌آل را جامعه‌ای می‌دانست که در آن مردم خود را وقف خیر

عمومی می‌کنند، در حالی که ارسطو «شهر» را یک «انجمن» تلقی می‌کرد که شهروندان را قادر می‌سازد تا در وظیفه با فضیلت حکمرانی و اداره شدن سهیم شوند. با این وجود، نه یونان و نه روم بین دولت و جامعه تمایز قائل نشدند. پس از پایان جنگ سی ساله، معاهده وستفاليا دولت‌ها را به عنوان واحدهای سیاسی دارای قلمرو و حاکمیت خود تایید کرد. پادشاهان توانستند ارتش‌های ملی تشکیل دهند که آن‌ها را قادر ساخت تا زندگی عمومی را کنترل کنند. در نتیجه، قبل از عصر روشنگری، مطلق‌گرایی مشخصه اروپا بود و جامعه مدنی تا قرن هجدهم توسط لیبرال‌هایی که به مطلق‌گرایی حمله می‌کردند مورد بحث قرار نمی‌گرفت (Kastrati, 2016). ایده قرون وسطایی تمایز بین دولت و جامعه در مطالعات هابز مطرح نبود. او نوشت که اگر قرار است جامعه‌ای به طور کلی حفظ شود، باید از طریق قدرت حاکم باشد؛ اما لاک در «دو رساله حکومت» با ترکیب مفهوم جامعه با مفهوم انجمن داوطلبانه، شکل کاملاً مدرنی از تمایز ارائه نمود. توماس هابز و جان لاک معتقد به همزیستی مسالمت‌آمیز بین انسان‌ها از طریق قراردادهای و پیمان‌های اجتماعی بودند. لاک و هابز معتقد نبودند که جامعه مدنی قلمرویی جدا از دولت است. این جامعه است که نهادهای سیاسی را برای محافظت از خود ایجاد کرده است و بنابراین می‌تواند هر زمان که بخواهد آن‌ها را تغییر دهد. در این زمینه هابز از جدایی شدید دولت و جامعه امتناع می‌کرد جان لاک اولین کسی بود که بین دولت و جامعه تمایز قائل شد. به باور او دولت بخشی از «جامعه مدنی» است، اما او نظم سیاسی را از «اجتماع» متمایز می‌کرد که اساس اخلاقی نظم سیاسی را بر رضایت «اجتماع» یعنی جامعه قرار می‌داد (Kastrati, 2016).

آدام فرگوسن مفهوم جامعه مدنی را به عنوان یک حوزه اخلاقی توسعه داد که در آن تعاملات انسانی می‌تواند در برابر دولت محافظت شود. از سوی دیگر، توکویل جامعه مدنی را شبکه‌ای از سازمان‌های اجتماعی غیرسیاسی معرفی نمود که دموکراسی را تقویت می‌کند. بنابراین، او مفهوم فرعی را معرفی کرد، که به جامعه مدنی اجازه می‌دهد تا با محدود کردن قدرت دولت در حکومت مداخله کند و در عین حال اطمینان حاصل شود که انرژی خلاق جامعه خارج از دولت و در فعالیت مدنی انجمن‌ها باقی می‌ماند. در حالی که لاک، فرگوسن و توکویل مفاهیم خود از جامعه مدنی را بر تمایز بین دولت و جامعه استوار می‌کنند، آدام اسمیت بر تفاوت بین جامعه و بازار متمرکز است در تحلیل هگل از جامعه، اقتصاد بخشی از جامعه مدنی است که با روابط بازار مشخص می‌شود. او تمایز بین بازار و دولت را درک کرد. مارکس استدلال می‌کرد که جامعه مدنی قویا توسط تضاد طبقاتی شکل گرفته است و روسو جامعه‌ای را مطرح می‌کند که در آن دولت باید در جامعه مدنی جذب شود. جامعه مدنی، همانطور که روسو توصیف می‌کند، دو هدف را دنبال می‌کند: تامین صلح برای همه و تضمین حق مالکیت. از سوی دیگر، گرامشی مفهومی از جامعه مدنی را توسعه داد که آن را هم از اقتصاد و هم از دولت متمایز می‌کرد، اگرچه برای بیان نقش مستقل جامعه مدنی بدون اینکه ابزاری برای سیاست دولت باشد، با چالش روبه‌رو بود (Kastrati, 2016). آدام اسمیت یکی دیگر از متفکران بزرگ اسکاتلندی حداقل از برخی جهات همان مباحث فرگوسن را مطرح می‌کرد: در بینش آن‌ها هیچ تمایز دقیقی بین منافع خصوصی و منفعت عمومی وجود نداشت. فلسفه هیوم و نظریه بعدی فردگرایی لیبرال به معنای دور شدن از این سنت بود. این سنت متاخر، همانطور که آدام سلیگمن استدلال کرد، به معنای انتقال ریشه‌ای تفکر در مورد جامعه مدنی بر اساس وحدت عقل و احساسات اخلاقی بود (Pietrzyk, 2001).

اسمیت به عنوان یک نظریه پرداز اخلاق، همراه با ماندویل و فرگوسن به بحث مدرن در مورد جامعه علاقه نشان داده است. در سنت اسکاتلندی متأثر از فلسفه ارسطویی و رواقی، انسان در درجه اول به عنوان یک شهروند دیده می‌شود. اسمیت بر این ویژگی انسان به عنوان «حیوان سیاسی» تاکید می‌کند: «بنابراین، این انسان است که فقط در جامعه می‌تواند زندگی کند، که طبیعتاً با موقعیتی که برای آن ساخته شده بود، سازگار بود. گفته شده است که انسان عشق طبیعی به جامعه دارد و مایل است که اتحاد نوع بشر به خاطر خودش حفظ شود. چالشی که

فرگوسن و اسمیت مطرح کردند تا مل در مورد تضادهایی بود که به ویژه در جامعه تجاری مرتبط با انقلاب صنعتی به وجود می‌آید. آن‌ها به دنبال توضیحی مناسب برای پیچیدگی شکل مدرن جامعه مدنی با نابرابری‌ها و فردی شدن گسترده آن بودند. هم فرگوسن و هم اسمیت تاکید کردند که جامعه تجاری نه تنها از طریق تضاد فضیلت با منفعت شخصی به فساد رفتاری، فساد احساسات اخلاقی مردم منجر می‌شود، بلکه به صنعتی شدن، ارتقای انصاف در تبادل تجاری، کاربرد ابزار اقتناع و منافع متقابل می‌انجامد (Pietrzyk, 2001).

یکی دیگر از اندیشمندانی که در مورد جامعه مدنی مطالب را ارائه کرده است امانوئل کانت می‌باشد. فلسفه سیاسی کانت ریشه در فلسفه اخلاقی او دارد، دومی مبنای اولی است و هر دو برگرفته از عقل عملی محض هستند. توجیه حکومت تنها در عقل عملی محض و در عدالت یافت می‌شود. بنابراین، هنگام بررسی دیدگاه کانت در مورد دولت و جامعه مدنی، ما باید همچنان اصول فلسفه اخلاقی او را در نظر داشته باشیم. پیوند اصلی بین اخلاق و برابری، آزادی به عنوان جوهر قانون و قرارداد اخلاقی است. حوزه آزادی محافظت شده توسط قانون، محیطی برای اخلاق ایجاد می‌کند، مکانی که اخلاق در آن تاثیر می‌گذارد. اگر اراده خیر تنها امر خوب بدون صلاحیت روی زمین است، سیاست به عنوان یک کالای واجد شرایط باید در خدمت اخلاق باشد و ابزاری برای آن باشد. دولتی که به دنبال شر اخلاقی است نمی‌تواند قابل ستایش باشد. در فلسفه عملی کانت، سیاست و قانون در خدمت هدف والایی است. آن‌ها ضامن آن شرایط منفی هستند که احترام به شان انسان ممکن می‌سازد. مفهوم قرارداد اجتماعی نقش بسیار مهمی در مفهوم کانت از دولت مدنی ایفا می‌کند: «در همه قراردادهای اجتماعی، ما اتحادی از افراد زیادی را برای یک هدف مشترک می‌یابیم که همه آن‌ها در آن سهیم هستند؛ اما اتحادی به‌عنوان یک هدف فی‌نفسه که همه باید در آن سهیم باشند و بنابراین وظیفه‌ای مطلق و اولیه همه روابط خارجی، هر چه بین انسان‌ها است، تنها در جامعه‌ای یافت می‌شود که یک دولت مدنی یعنی یک مشترک المنافع را تشکیل می‌دهد.» (Pietrzyk, 2001).

از نظر کانت، ایده قرارداد اجتماعی و ایده مالکیت، مبنای عادلانه و اخلاقی جامعه مدنی است که به عنوان یک جامعه سیاسی ضروری تلقی می‌شود. ضروری است زیرا عدالت در وضعیت طبیعی قابل اجرا نیست. جامعه سیاسی همان‌گونه که نظام حقوق عمومی را فراهم می‌کند، شرط امکان عدالت نیز است. از نظر کانت، «همه انسان‌ها باید وارد یک جامعه مدنی یا وضعیت حقوقی شوند.» هدف اصلی جامعه مدنی وادار کردن انسان‌ها به رعایت حقوق یکدیگر است؛ اما افزایش آزادی مدنی کافی نیست، آزادی سیاسی و همچنین شکل جمهوری حکومت نیز لازم است. بنابراین وقتی از دفاع از آزادی فردی سخن می‌گوییم، مفهوم اقتدار سیاسی برای کانت از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از موضوعات اساسی در مفهوم کانت درخصوص جامعه مدنی، در کنار اصل استقلال اخلاقی فرد، نگاه وی به موضوع شهروندی است. او بین دو دسته شهروند تمایز قائل می‌شود: استاتسبرگر Staatsbürger یعنی شهروند به معنای دقیق و استانگنوس Staatsgenosse. این یک مفهوم بسیار محدود است زیرا فقط کسانی را می‌توان شهروند نامید که به چیز دیگری غیر از دولت خدمت نمی‌کنند و صاحب دارایی هستند. بقیه فقط استاس Staatsgenosse، یعنی همراهان هستند. برای شهروندی فرد باید نه تنها شرایط اخلاقی بلکه مادی را نیز داشته باشد. شرط اخلاقی آزادی سیاسی عبارت است از اطاعت از قوانین تعیین شده توسط خود. کانت آن را حق مشارکت با دیگران در تعیین قوانینی می‌داند که همه به یک اندازه مشمول آن هستند. آزادی سیاسی نیز باید به گونه‌ای دیگر محدود شود. اعضای مجلس نمایندگانی که دارای اختیارات قانونگذاری هستند باید توسط رای دهندگانی انتخاب شوند که مرد بالغ بوده و «صاحب دارایی» هستند (Pietrzyk, 2001).

### نقش و کارکرد جامعه مدنی

جامعه مدنی دارای کارکردها و نقش‌های متعددی است. در اینجا به مهم‌ترین نقش‌ها و کارکردهای جامعه مدنی پرداخته می‌شود.

## کارکرد محافظتی

جامعه مدنی موظف است آزادی را برای شهروندان فراهم کند و از آن‌ها در برابر دولت‌های مستبد محافظت کند. این شامل محافظت در برابر دخالت دولت در حوزه خصوصی است و در دسترس بودن فضای خصوصی و همچنین اجتماعی را تضمین می‌کند. سازمان‌های جامعه مدنی درگیر، برای مثال، برای بررسی پیشنویس سیاست‌های مربوط به تامین حقوق اساسی شهروندان و در صورت وقوع جرم برای جلب توجه و اتخاذ اقداماتی برای واکنش در برابر این تخلف حمایت از اقلیت‌های خاص و حقوق آن‌ها نیز بخشی از این کارکرد است (UKEssays, 2018).

## کارکرد کنترل

اغلب، این عملکرد را «امنیت آزادی منفی» نیز می‌نامند. این امر بستگی به عملکرد محافظتی دارد، چرا که این کارکرد مربوط به نظارت و کنترل قدرت سیاسی می‌شود. یکی از تعهدات اساسی تحت عملکرد نظارت، برای مثال نظارت بر انتخابات برای اطمینان از عادلانه بودن قوانین اساسی دموکراسی است.

## کارکرد تسهیلی

جامعه مدنی در چندین زمینه به معنای محدود، به دولت، حکومت و سیاست کمک می‌کند. از یک طرف، یک تسهیل مالی موثر وجود دارد - با این واقعیت که شهروندان به طور داوطلبانه و اغلب بدون غرامت، از تعهدات اجتماعی حمایت می‌کنند. امروزه جامعه با مسائل پیچیده جدیدی مواجه است که به آن ابرمسائل می‌گویند و تنها در سطح دولتی قابل حل نیست. این مشکلات باید در چند سطح حل شود. برای مثال، جهانی شدن یا مشکل زیست‌محیطی که روزه‌روز بیشتر می‌شود، از جمله این موارد است. جامعه مدنی به تعهدات اجتماعی فراتر از خانواده عمل می‌کند، اما در عین حال کافی هستند - با توجه به اشکال نمایندگی منافع سازمان‌های ایجاد شده، نه بازار و نه دولت نمی‌توانند این مسائل را به درستی حل و فصل کنند (UKEssays, 2018).

## کارکرد دموکراسی‌سازی

این سهم جامعه مدنی در روند شکل‌گیری افکار عمومی و اراده مردمی است. شرکت مدنی نقش مهمی در دموکراسی‌سازی، به ویژه در سطح محلی ایفا می‌کند. در دموکراسی‌های جوان، این کارکرد اغلب وابسته به تحول دموکراسی در سطح ملی است که در آن ابتکارات شهروندان نیز یک نمونه عینی به شمار می‌آید. در این زمینه، جلسات اطلاع‌رسانی اغلب برای اطلاع‌رسانی عمومی در مورد یک موضوع خاص برگزار می‌شود. بنابراین آن‌ها به فرآیند شکل‌گیری افکار و اشتیاق عمومی کمک می‌کنند (UKEssays, 2018).

## کارکرد کثرت‌گرایی (پلورالیسم)

یکی از مهم‌ترین کارکردهای جامعه مدنی کثرت‌گرایی یا چندگرایی عبارت است از سازمان‌دهی پیکر سیاسی یک کشور به گونه‌ای که هر خانواده فکری و عقیدتی هم امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خود را بیابد و هم به حقوق خود نائل آید و زمینه‌های لازم برای مشارکت فعال اعضای آن در صحنه‌های سیاسی فراهم شود. کثرت‌گرایی نتیجه بلافصل آزادی‌های انسانی در پرتو اندیشه‌های مدرن است که خود منجر به بسط و توسعه آزادی می‌شود. اساساً ظهور و گسترش جامعه مدنی با کثرت‌گرایی سیاسی و تنوع اجتماعی معادل گشته و نهادهای جامعه مدنی فقط هنگامی رخصت بروز یافته‌اند که اصل گوناگونی و تکثرگرایی از جانب دولت و جامعه پذیرفته شده باشد. به عقیده پل ریکور (فیلسوف فرانسوی)، کثرت‌گرایی به توافق تعارضی می‌انجامد که حاصل بلاواسطه برخورد‌های فکری و تجربی میان صور گوناگون عقاید در

فضای عمومی دموکراسی است. این تساهل و تسامح نسبت به کثرت و تنوع عقاید به نوبه خود سبب پیشرفت‌های فکری جامعه خواهد گردید. در واقع، جامعه مدنی خود محصول رشد اندیشه و تعقل جمعی است (Dashti & Shahid, 2022).

### کارکرد قانونمندی و قانون‌گرایی

قانون‌گرایی یکی دیگر از مهم‌ترین نقش‌های جامعه مدنی است؛ یعنی جامعه‌ای که در آن دولت، افراد و عرصه عمومی همه پای‌بند قانون باشند، اما منظور از قانون، قانونی است که منافع افراد در خود ملحوظ کرده باشد، مردم اعتقاد به بی‌طرفی آن داشته باشند و ضمانت اجرایی آن نیز فراهم باشد. جامعه مدنی تنها یک چهارچوب حقوقی نیست، بلکه یک واقعیت سیاسی، اقتصادی، جامعه‌شناختی، روانی، فرهنگی و حتی بازیافته در معماری و شهرسازی جامع است. در جامعه مدنی طی کنش و واکنش‌های نهادهای مدنی رویه‌هایی شکل می‌گیرد که بعداً تصویب شده به شکل قانون در می‌آیند. این قوانین قبلاً در زندگی اجتماعی آزموده شده و محک خورده‌اند، پس قوانین دور و خارج از جامعه نیستند، بنابراین به آن‌ها عمل خواهد شد (Dashti & Shahid, 2022).

### جامعه مدنی و سیاست کیفری

مفهوم و برداشتی که از جامعه‌ی مدنی در سیاست کیفری وجود دارد این برداشت متعادل سوم از نسبت میان جامعه‌ی مدنی و دولت است که دربرگیرنده‌ی کنشی از همکاری و تعاون‌سازمان‌یافته، هدفمند و داوطلبانه‌ی افراد در مقابل نیروهای آشوب‌آفرین و سرکوبگر یا در مقابل روند متمیزشدن افراد می‌باشد (Ghafouri, 2008) که تحقق آن در قالب سیاست کیفری است که زمینه‌های لازم برای کاهش جرم و جرائم را فراهم می‌آورد. نیاز به بیان نیست که در تحلیل روابط و تعامل جرائم و جامعه‌ی مدنی نسبتی متقابل و دوسویه برقرار است بنابراین می‌توان استدلال نمود که اهمیت و کارکرد فوق‌العاده جامعه مدنی در مبارزه با جرائم، کاهش حجم آن، اتخاذ سیاست پیشگیرانه و آگاهی‌بخشی و روشنگری سبب شده است تا بسیاری از کشورهای جهان مبادرت به تغییر در سیاست کیفری و جنایی - تقنینی خود نموده و ذیل عنوان «اصل حداقل بودن در نظام کیفری» نقش جامعه مدنی و نهادهای آن را پررنگ نمایند.

### جامعه مدنی در سیاست کیفری ایران

دغدغه‌ی سیاست کیفری با محوریت جامعه مدنی در قوانین جزائی ایران نیز در قالب تلاش‌های فراوانی در راستای حداقل‌سازی نظام کیفری و استفاده از سازوکارهای جامعه مدنی به عمل آمده است به عنوان مثال می‌توان به مقررات محلی با آیین اکثریت مردم هر منطقه کشور (اصل پنجاه و نهم) برگزاری همه‌پرسی و مراجعه به آرای مستقیم مردم در موارد خطیر و مهم‌تر از همه اصل پنجاه و ششم قانون اساسی که صریحاً بیان می‌دارد: «حق حاکمیت تا ابد به انسان تفویض شده است»، مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، اجرای الزامات هشت‌گانه ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی که مستلزم توسل به مردم، نهادهای مردمی یا دست‌کم همکاری با آنهاست، ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۱۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، تبصره ۱ ماده‌ی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۸۲ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص «میانجیگری قضایی» و غیره می‌توان نام برد. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که این جامعه‌ی مدنی است که با توسل به تصویب قانون، حاکمیت خود را از طریق بازوهای خود، اعمال می‌کند و به اجرا می‌گذارد سیاست جنایی حکومت نیز تلاش دارد تا با این اصل همگام و همراه باشد و پایبندی به حاکمیت جامعه را در ابواب مختلف سیاست جنایی سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار دهد که اعم قوانین مطرح شده در فوق نشان می‌دهد که سیاست جنایی - کیفری ایران تلاش دارد تا با بهره‌گیری



از مکانیسم‌های جامعه مدنی به حداقل سازی نظام کیفری مبادرت ورزد لذا در این راستا به تصویب قوانین مختلفی اقدام نموده است هر چند این قوانین می‌توانند گامی مهم در این راستا به حساب آیند اما نیازمند است تا در این زمینه اقدامات بیشتری صورت گیرد.

### نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم و جنایت در سیاست کیفری حداقلی

در این قسمت تلاش می‌شود تا به مهمترین کارکردهای جامعه مدنی در پیشگیری از جرم و جنایت در سیاست کیفری حداقلی پرداخته شود.

#### نظارت مستقل، بررسی و تحقیق

فعالیت‌های تحقیقی و تحقیقاتی در مورد واکنش‌های سازمانی یا موارد و اشکال خاص جرم همچون قاچاق مواد مخدر یا انسان، تجارت غیرقانونی اسلحه، یا خشونت ناشی از گروه‌های جرائم سازمان‌یافته به عنوان نمونه‌های خوبی از روش‌های فعال و قابل مشاهده جامعه مدنی در مقابله با جرم و جرائم می‌باشد زیرا صراحتاً، فعالیت شدید سازمان‌های مدنی و روزنامه‌نگاران تحقیقی در افشای پیوند میان سازمان ملل متحد و سیاست‌های بلندپایه و حضور نمایندگان آن‌ها در رسانه‌ها، از بارزترین و پر سر و صداترین اقدامات در راستای مقابله با جرائم سازمان یافته تلقی می‌شوند (Stojanović, 2020). بر خلاف روزنامه نگاری تحقیقی، که در هنگام افشای حقیقت بر حقایق و شواهد تکیه می‌کند، تحقیق در مورد اشکال خاص جرم بر اساس بینش عمیق‌تر و عمدتاً بر پایه ادبیات، پایگاه‌های داده و مصاحبه با کارشناسان مربوطه استوار است. استفاده از مقادیر باورنکردنی داده‌ها و اطلاعات در دسترس عموم به ظرفیت سازمان‌های جامعه مدنی برای کشف اشکال جرم در پرونده‌هایی که در دست بررسی هستند کمک می‌کند و بنابراین دولت‌ها را برای اقدام تحت فشار قرار می‌دهد با این حال، به دلیل عدم شفافیت دولتی، اجرای روش‌های تحقیق و بررسی در برخی کشورها دشوار است. مشکل دیگر به رسیدگی آماری به پرونده‌های جرائم سازمان یافته در سیستم‌های عدالت کیفری و تاثیر آن‌ها بر درک خود پدیده نهفته است. به عنوان مثال، در صربستان، به دلیل استفاده از پایگاه‌های داده متفاوت، ردیابی محاکمات از طریق سیستم پلیس-دادستان-دادگاه دشوار است. این مشکل در سطح منطقه‌ای نیز وجود دارد که در آن روش تلفیقی جمع‌آوری داده‌ها، ذخیره‌سازی داده‌ها و گزارش وجود ندارد. همچنین خطرات امنیتی برای محققان و روزنامه‌نگاران وجود دارد، به‌ویژه در کشورهایی با سطح دموکراسی پایین‌تر و جوامعی که نگرش منفی نسبت به سازمان‌های مدنی خاص دارند علاوه بر آن نیز نظارت و مراقبت غیررسمی نهادهای مدنی و مشارکت مردم در اداره‌ی امور اجتماع نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، زیرا نهادهای مدنی با نظارت خود بر عملکرد سازمان‌ها و نهادهای عمومی دولتی می‌توانند فعالیت‌های آن‌ها را از طریق شفاف‌سازی در معرض نگاه و داوری جامعه قرار دهند (Hosseini & Nozari Fardousieh, 2014) و این مسئله نقش بسیار مهمی در کاهش جرم و پیشگیری از آن می‌تواند داشته باشد. همچنین محاکمه‌های جرایم سازمان‌یافته پیامد دیگری از فعالیت‌های سازمان‌های مدنی در مبارزه با جرائم سازمان یافته است. به عنوان مثال، سازمان‌های مدنی مانند لیبرا می‌توانند به تعداد قابل توجهی از پرونده‌های مربوط به جرائم سازمان یافته که به دادگاه آورده‌اند افتخار کنند. لیبرا بیش از ۲۵ مورد از این قبیل داشته است، اگرچه این محاکمه‌ها می‌توانند چندین سال طول بکشند، اما نمونه‌های خوبی از فعالیت سازمان‌های جامعه مدنی هستند که برای مقابله با وقوع جرم و پیشگیری از آن انجام داده‌اند (Stojanović, 2020).

#### آگاهی بخشی

روش‌های نظارت و بررسی در صورتی موثر و کارآمد است که اثرات منفی فعالیت‌های غیرقانونی جرائم و آسیب‌هایی که به هر جامعه وارد می‌کنند، نشان داده شود. با درک «افزایش آگاهی» به عنوان فرآیندی که به دنبال اطلاع‌رسانی و آموزش مردم در مورد جرائم است، عوامل افزایش آگاهی باید در همه جا حاضر بوده و به‌طور مستمر متعهد به افشای فعالیت‌های غیرقانونی باشند (Stojanović, 2020). این موضوع

در سیاست جنایی اسلام نیز بازتاب پیدا کرده است مبنی بر اینکه در سیاست جنایی اسلام، مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم در قالب امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان مهمترین نهاد نظارتی، با هدف مبارزه با ارتکاب جرم مورد تأکید قرار گرفته است. البته برحسب اینکه چه معنایی از معروف یا منکر اراده شود، تبیین جایگاه امر به معروف و نهی از منکر متفاوت می شود زیرا اگر معنای مضیق اراده شود، کارکرد این شیوه در سیاست جنایی اسلام تنها به بخش رفتاری واجب و حرام محدود می شود، در حالی که سیاست جنایی اسلام با توجه به تنوع پاسخها به نقض هنجارها از تنفر قلبی و تذکر لسانی تا واکنش های شدیدتر، ترک مستحبات و انجام مکروهات با درجات خفیف تری مشمول امر به معروف و نهی از منکر می شود (Hosseini & Nozari Fardousieh, 2014). بنابراین یکی دیگر از نمونه های خوب افزایش آگاهی عمومی، طرح های به اصطلاح ضد مافیایی است که بر زندگی روزمره شهروندان اروپایی تاثیر می گذارد. به عنوان مثال، سازمان جامعه مدنی در ایتالیا که برچسب بدون مافیا را روی محصولات اضافه می کند و «مافیا؟ نه متشکر» ابتکار عمل در آلمان، کارآفرینان کوچک را تشویق می کند تا هرگونه ارباب مافیایی را رد کنند و صدای خود را مبنی بر اینکه از هیچ گونه ارتباطی با جرائم سازمان یافته ندارند، بلند کنند. با این حال، در حالی که این فعالیت های کوتاه مدت نمونه های خوبی از کمپین افزایش آگاهی مردم هستند، باید درک کرد که تنها فعالیت های افزایش آگاهی مستمر می تواند اثرات بلندمدتی بر مبارزه با جرائم و پیشگیری از وقوع آن داشته باشد (Hosseini & Nozari Fardousieh, 2014).

#### کمک و ارائه خدمات به اشخاص و گروه های مختلف

ثابت شده است که فعالیت های مبتنی بر خدمات در کاهش آسیب های جرائم مهم و موفق هستند. ارائه دهندگان خدمات که با جوامع محلی در تلاش برای بازپروری و ادغام جوانانی که در معرض جرائم سازمان یافته قرار دارند (مانند سازمان های مدنی که با قربانیان قاچاق انسان و مهاجران کار می کنند، یا کسانی که در زمینه پیشگیری از مواد مخدر، به زندانیان و غیره کمک می کنند) نقش بسیار مهم و مشهودی ایفا می کنند (Hosseini & Nozari Fardousieh, 2014). اعم موارد مطرح شده نشان دهنده ی چند نکته ی کلیدی است اولاً، نقش نهادهای جامعه مدنی و سازمان های مردم نهاد در مبارزه با جرم، کاهش حجم آن، اتخاذ سیاست پیشگیرانه و ارائه خدمات و روشنگری سبب شده است تا نقش بی بدیلی برای این نهادها قائل شوند ثانياً، به واسطه ی این نهادها مردم از مسائل حکومت تأثیرگذار بر خودشان آگاه می شوند و مطلع باقی می مانند در نتیجه انتظاراتی درباره معیارها خواهند داشت و در موقعیتی قرار خواهند گرفت که برکارگزاران فشار وارد می آورند که این معیارها را رعایت کنند شاید به همین دلیل باشد که در این راستا بیان می شود که «شرکت دادن مردم در نظام عدالت کیفری و پیشگیری از بزهکاری، در واقع بر اساس همبستگی جامعه رسمی دولت و جامعه غیررسمی مردم و نهادهای مردمی شکل می گیرد همبستگی سبب تراکم زدایی از سیستم قضایی و همزمان افزایش کارایی و سرعت بخشی به عملکرد این سیستم از طریق واگذار کردن برخی از وظایف نظام عدالت کیفری به مردم می شود که تقلیل بودجه دادگستری را به دنبال خواهد داشت زیرا بدیهی است که پیشگیری از وقوع جرم بدون کمک و مشارکت مردم نمی تواند نتیجه مطلوبی را حاصل نماید چون جرم معضل اجتماعی و کنترل آن وظیفه ی هر شهروند در کنار دولت است» (Jamshidi, 2016).

#### نهادسازی و شبکه سازی

در قلمروی پیشگیری از جرم به معنای عام و ریشه کنی آن به معنای خاص شاید یکی از مسائل مبتلابه نظریه پردازان این حوزه این است که این مسئله در درجه ی اول به ایجاد و بهبود نهادسازی و شبکه سازی بستگی دارد؛ چرا که اگر نهادهای باکیفیت در یک جامعه تشکیل نشده

باشند و یا فرایند شکل‌یابی آن‌ها کج و ناقص بوده باشد، فرایند جرم نیز توسعه و گسترش می‌یابد. بنابراین، قبل از هر چیز آنچه ضرورت واقعی و حتمی جوامع جهت مبارزه با جرم و جرائم از بعد پیشگیرانه را تشکیل می‌دهد توجه به مسئله‌ی نهادسازی و ظرفیت‌سازی می‌باشد بنابراین، ضرورت توسعه و منطبق موقعیت در کشورها در راستای مبارزه با جرائم ایجاب می‌نماید که به شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد هر جامعه برای تحقق این نهادها توجه شود؛ چرا که علاوه بر این که نهادها نتیجه‌ی نهادی‌شدن آن چیزی است که در فرایندی شکل‌عادت به خود می‌گیرد، میان جرم و نهادسازی در جوامع نیز ارتباطی وثیق وجود دارد به باور نهادگرایان میان این دو با یکدیگر ارتباط ارگانیک وجود دارد؛ گویی هر دوی آن‌ها بخش‌هایی از همان نظم اجتماعی‌اند، که از آن با عنوان تئوری «توازن دوگانه» نام برده می‌شود. آنان بر این اعتقادند که حفظ تحولات بنیادی در هر دو نظام بدون تحولات بنیادی در دیگری اتفاق نمی‌افتد (نورث ۱۳۹۶: ۹۵). بدین ترتیب، نهادگرایی جدید به طور مشخص با تأکید بر فقدان محتوای نهادی در هسته‌ی مرکزی نظریه‌ی نئوکلاسیک مطرح شد و به‌طور صریح بر هزینه‌های مبادله، توجه ترکیبی به حقوق، مباحث جامعه‌شناختی و روانشناختی در کنار مفاهیم اقتصاد، استفاده از ابزارهایی چون نظریه‌ی بازی‌ها در مدلسازی‌ها، توجه جدی به حقوق مالکیت معنوی، حقوق قراردادهای و سازمان‌ها و قوانین کسب و کار، تعادل سازنده‌ی نهادهای بازار، دولت و جامعه‌ی مدنی، محیط کاری رقابتی، توجه به محدودیت‌های اطلاعاتی در شکل‌گیری محدودیت‌ها، عقلانیت و انتظارات، توجه روزافزون به ارزش‌ها و نهادهای مشترکی همچون سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، اجتماع، جامعه‌ی مدنی و... تأکید نمود (شریف‌آزاده و دیگران ۱۳۹۳: ۳). بدین ترتیب، می‌توان گفت الگوی مطلوب سیاسی و اجتماعی نظریه‌ی نهادگرایی همان الگوی «حکمرانی خوب» است که وجود نهاد «دولت» و تعامل آن با «نهادهای مدنی» و «بازار آزاد» را برای مبارزه با جرائم لازم دانسته و با طرح حکمرانی به عنوان مقوله‌ای فراتر از مفهوم حکومت، ارتباط درون‌زای تمامی بخش‌های اساسی جامعه را برای پیشبرد رشد اقتصادی و مبارزه با جرائم لازم می‌داند بنابراین می‌توان تحلیل نمود که با ایجاد شبکه‌ای که شامل سازمان‌های مدنی، جرم‌شناسان آکادمیک و جوامع محلی با تمرکز مشترک بر تحقیقات مربوط به جرائم است، سازوکار مهم دیگری محسوب می‌شود که برای مبارزه با جرائم استفاده می‌شود، جایی که شبکه‌سازی در جامعه مدنی بین اتاق‌های فکر متخصص و سازمان‌های مبتنی بر جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. آنچه در این زمینه مطرح می‌شود تبادل اطلاعات، تجربه و دانش است. روش «شبکه‌سازی» برای جمع‌آوری دیدگاه‌ها و تجربیات مختلف رشته‌ای نیز برای دستیابی به رویکرد جامعی در مورد جرائم سازمان‌یافته کمک می‌کند اتحاد پیشگیری از جرم و عدالت کیفری شبکه گسترده‌ای از سازمان‌های جامعه مدنی را گرد هم می‌آورد که به دستیابی به امنیت و عدالت برای همه کمک می‌کنند. این امر تضمین می‌کند که جامعه مدنی در پیشبرد برنامه پیشگیری از جرم و دستور کار عدالت کیفری و در طراحی، اجرا و سنجش نتایج سیاست‌های مربوطه در همه‌جا شناخته شده و شنیده می‌شود. در چهارچوب این اتحاد همکاری‌ها تقویت خواهد شد و تخصص و چشم‌انداز هر یک از اعضا برای افزودن ارزش و حمایت از فعالیت سازمان‌های بین‌المللی مربوطه به‌ویژه دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد تقویت خواهد شد. اتحاد پیشگیری از جرم و عدالت کیفری اعضای خود را تشویق می‌کند تا نقشی کلیدی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار به‌ویژه در دستیابی به هدف «توسعه جوامع صلح‌آمیز و فراگیر برای توسعه پایدار، فراهم کردن دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد نهادهای موثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح» داشته باشند. تقویت روابط بین اجزای جامعه مدنی و به‌ویژه سیاست‌گذاران و مقامات ملی، پیوند جامعه و دولت را تقویت می‌کند و منجر به تلاش‌های متقابل برای پیشگیری از وقوع جرم و جنایت می‌شود (Stojanović, 2020).

حمایت از راه حل‌های ضد جرم یا حفظ فشار مداوم بر موسسات

حمایت از مقررات و قوانین به روز در مبارزه با جرائم، به ویژه در محیط‌هایی که دارای فعالیت‌های غیرقانونی با سابقه طولانی هستند، می‌تواند موثر و کارآمد باشد. یکی از بهترین نمونه‌ها، مواردی است که لیبرا را شامل می‌شود، که فعالیت‌ها و بسیج افکار عمومی و دانشگاهیان منجر به تصویب قانون استفاده اجتماعی از دارایی‌های مصادره شده در سال ۱۹۹۶ شد. این اقدام تاثیر گسترده‌ای داشت و منجر به تصویب قوانین یا پروژه‌های مشابه در کشورهای دیگر شده است. یک گام مهم در تقویت تاثیر جامعه مدنی، حفظ فشار بر مقامات ملی است. توسعه مشروعیت از طریق تحقیق، افشا و مبارزه با جرائم، سازمان‌های جامعه مدنی توانایی خود را برای اعمال فشار بر نهادها تقویت می‌کنند. این رایج‌ترین روشی است که از طریق کانال‌های مختلف (رسانه‌ها، اینترنت، کنفرانس‌های عمومی، اقدامات خیابانی و غیره) برای بیان نگرانی جامعه در مورد اثرات منفی فعالیت‌های جرائم سازمان‌یافته اعمال می‌شود (Stojanović, 2020).

#### روش تحقیق

در این مقاله از روش تحقیق تحلیل مضمون استفاده شده است منظور از روش تحلیل مضمون و در بین شقوق مختلف تحلیل مضمون از شبکه مضمون استفاده شده است. بدین ترتیب که با استفاده از شبکه مضمون به طراحی مدل آسیب‌ها و طراحی مدل مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران مبادرت شده است.

شبکه مضامین روشی در تحلیل مضامین است که توسط آتراید استرلینگ (۲۰۰۱) بسط و توسعه داده شده است و جایگاه مضامین را در شبکه مضامین نشان می‌دهد. به منظور دستیابی به شبکه مضامین مراحل ذیل صورت می‌گیرد: الف- کشف مضامین پایه‌ای (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، ب- کشف مضامین سازمان‌یافته (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های پایه‌ای) و ج- کشف مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگرفته اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل). مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد؛ مضامین سازمان‌یافته واسط مضامین فراگیر و مضامین پایه‌ای شبکه است. بعد از طی این مراحل، مضمون‌های به دست آمده به صورت نقشه‌های شبکه وب ترسیم می‌شوند که در آن مضامین برجسته همراه با روابط میان آن‌ها را نشان می‌دهد.

#### یافته‌ها

#### طراحی مدل مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران

##### مرحله اول: خرد کردن و تجزیه متن

گام اول) تهیه یک چهارچوب کدگذاری و تجزیه متن به جملات کلیدی: در مرحله اول یک چهارچوب جهت کدگذاری در نظر گرفته شده است و آن توصیف، تفسیر و اظهارنظرهای مصاحبه‌شوندگان پیرامون سؤالات مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته مرتبط با پدیده مورد بررسی بوده است که به صورت برجسته، کلیدی و تأییدات متعدد به کار گرفته شده است. لذا بر این اساس متن استخراجی از مصاحبه به پاره جملات کلیدی و یا گفتارهای خبری برجسته تبدیل شده‌اند.

گام دوم) شناخت مضامین: در این مرحله به هر یک از جملات کلیدی و یا گفتارهای خبری برجسته، کد و یا مضمونی الحاق شده است. این مضامین بعدها مورد پالایش و تصحیح قرار گرفته است.

##### گام سوم: ساختن شبکه مضمون

الف) کشف مضامین پایه: در بخش اول از ساختن شبکه مضمون، یافتن و منظم نمودن مضامین پایه‌ای از جملات کلیدی و یا گفتارهای خبری برجسته است که به تناوب از سوی مصاحبه‌شوندگان مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به اصطلاح به اشباع نظری رسیده است. بنابراین در

مرحله کدگذاری باز، ۸۹ مضامین پایه‌ای یا همان شناسه‌ها و نکات کلیدی متن جهت طراحی مدل مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران مورد شناسایی قرار گرفته است (رجوع به **Error! Reference source not found.**).

ب) کشف مضامین سازمان یافته و فراگیر: در ادامه فرایند کدگذاری نظری و از نوع کدگذاری محوری و سپس کدگذاری گزینشی (انتخابی) با تلخیص و ترکیب مضامین پایه‌ای، ابتدا مضامین سازمان یافته و سپس با تلخیص و ترکیب مضامین سازمان یافته، مضامین فراگیر شناسایی و احصاء شدند. **Error! Reference source not found.**؛ فرایند کدگذاری نظری را در راستای کشف مضامین مدل مطلوب نقش ج جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران را نشان می‌دهد.

#### جدول ۱. فرایند کدگذاری نظری در راستای دستیابی به مضامین مدل مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران

مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
راهکارهای برون سازمانی	روزآمدی و مرتفع نمودن مشکلات قانونی و حقوقی	تغییر نگاه به جرم و نقش جرم در تهدید امنیت و نظم جامعه و حقوق اشخاص
		جرم انگاری برخی جرائم خاص
		افزایش نقش و جایگاه هیأت منصفه و شورای حل اختلاف
		تنظیم مقررات شفاف حقوقی و اعتماد سازی در این زمینه
		اعمال سیاست جنایی- مشارکتی جهت نظارت بر قوانین و تدابیر دولتی
		ارائه راهبردهای اصولی و هدفمند به منظور ارتقاء سطح کیفی قانون گذاری
		توسعه و ترویج معاضدت حقوقی و قضایی
		تعیین و اعمال مجازات های جایگزین زندان
		اصلاح قوانین مرتبط با تبیین جرائم سیاسی
		تنظیم مقررات شفاف حقوقی
		عدم شتابزدگی قانونگذار در تدوین قوانینی مرتبط
		تصویب و تقویت قوانینی همانند بند ۳ ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم
		تصویب و تقویت قوانینی همانند بند ۳ ماده ۵ قانون پیشگیری از وقوع جرم
		توجه به تبصره ۱ ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری
		توجه به بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری در توجه به اعلام و اخبار اشخاص موثق و مطمئن
		توجه به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به اعلام جرم نمودن سازمانهای مردم نهاد به جرائم ارتكابی
		توجه به بحث قانونی دفاع از دیگران در دفاع مشروع
		ایجاد تشکیلات قضایی و سازمان مناسب
		تدوین احکام و قوانین عادلانه و منطبق با نیازهای جامعه
	اتخاذ سیاست جنایی	راه اندازی نظام رصد پیشگیری از جرایم
پیشگیرانه		شناسایی بسترها و جلوه های اعمال سیاست جنایی مشارکتی
		گسترش تدابیر عفو عمومی و خصوصی
		اتخاذ سیاست پیشگیری اجتماعی
		میل به سیاست کیفری حداقلی

بهره گیری از دو اصل تساهل و مدارا در سیاست کیفری  
افزایش نقش ساختارهای شبه قضایی  
تعدیل سیاست های پاسخ به پدیده جنایی  
اتخاذ راهبرد تحدید و عقب نشینی مداخله نظام حقوق کیفری  
راهبرد جنایی مشارکتی  
اتخاذ یک سیاست جنایی مشارکتی مناسب در جهت کاهش آمار جرائم  
تأسیس جدید دادگاه های صلح جهت رفع اختلافات مردم  
تحول بخش خصوصی در امر باز پروری و اصلاح مجرمین اصلاح پذیر  
بازنگری در سیاست های مکمل موجود در متن نظام سیاست جنایی  
پیش بینی تدابیر گوناگون کیفر زدایی و قضا زدایی  
اولویت پیشگیری از جرم بر مجازات  
گذر از دادرسی تنبیهی و نیل به دادرسی ترمیمی  
مرتفع نمودن مشکلات کاستن اختیارات دولت و تفویض قسمتی از آن به شهروندان و جامعه ی مدنی  
اجرایی و تقویت جایگاه ایجاد نهاد میانجیگری و سازمان های مردم نهاد جهت حل اختلاف مردم  
جامعه مدنی تغییر نگاه علمی در سطح کلان و بالادستی نسبت به جامعه مدنی و نقش آن  
اتخاذ سیاست کوچک سازی دولت ها و بها دادن به جامعه مدنی  
افزایش سازوکار میانجی های اجتماعی  
چابک سازی سیاست مداخلت بخشیدن به جامعه  
افزایش نقش و دخالت نهادهای سازشی - مصالحه گر  
فعالیت های احزاب و آزادی مطبوعات  
توجه به برنامه های پیشگیرانه دقیق با محوریت نقش آفرینی جامعه مدنی  
برقراری و حضور احزاب و انجمن های محله ای-مردمی  
بهره گیری مناسب از سازمانهای مردم نهاد  
حل مشکلات و محدودیت های نهادهای جامعه مدنی  
رهایی از معضل دولتی سازی ساختارهای خرد و کلان اجتماعی  
تعامل همه جانبه بین حکومت و دولت با سمن ها  
موجودیت عینی بخشیدن به جامعه مدنی  
درک صحیح از مشارکت همگانی بطور درست و صحیح  
توسعه سازمان های مردم نهاد در حوزه آسیب های اجتماعی  
ارتقای نظارت اجتماعی بر عملکرد مجریان قوانین و مقررات  
تهیه و تصویب مقررات جامع و کامل در زمینه فعالیت و ساماندهی سمن ها  
تقویت حکمرانی قانونی و مردمی  
تقویت سرمایه اجتماعی در ضرورت مشارکت مردم و حق تعیین سرنوشت خویش  
جامعه دخالت دادن مردم در حل و فصل مشکلات جامعه  
احیای اعتماد عمومی و بازگشت فرصت های از دست رفته

جلب مشارکت جامعه مدنی	
ایجاد و توسعه زمینه های مشارکت عمومی	
تشویق به مشارکت و آموزش عمومی	
توجه به اهمیت گزارش های مردمی به پلیس	
تقویت رابطه سرمایه های اجتماعی با پیشگیری از وقوع جرم	
تأسیس و گسترش مراکز مشاوره حقوقی در کشور	فرهنگ سازی و آموزش
برگزاری تمرینات شبیه سازی پیشگیری از جرم	همگانی
آموزش والدین جهت پیشگیری از وقوع جرم	
فرهنگ سازی و افزایش سطح نظارت طبیعی شهروندان	
اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به آحاد جامعه	
توسعه و ترویج معارف اسلامی و اخلاق	
گسترش فرهنگ حقوقی و قضایی جامعه	
استفاده از ظرفیت های رسانه ای وابسته به نظام قضایی	
توجه و تکیه بر توانایی و کارکرد رسانه ها سنتی و فضای مجازی	
توسعه مراکز خدمات به آسیب دیدگان اجتماعی	
برنامه های پیشگیری مدرسه محور توسط سیاست جنایی	
بهره گیری از پتانسیل های جامعه های ورزشی	
بهره گیری از نقش مساجد و هیأت مذهبی در پیشگیری از جرم	
تغییر نگرش عمومی برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی	
توجه به کارکرد رسانه ها در خصوص فرهنگ سازی و آموزش	
اعتماد سازی و آگاهی سازی آحاد جامعه	
فرهنگ سازی و ارائه آموزش های دقیق و نظام مند	
افزایش سطح سواد رسانه ای	
گسترش تفکر انتقادی	
استفاده از سازوکارهای کنترلی اجتماعی برگرفته از دین و سنت ها	
استفاده از ظرفیت موسسه های مالی و شرکتهای جهت پیشگیری از جرم	مرتفع نمودن مسائل اقتصادی
رفع مشکلات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده	و اجتماعی
بهبود سطح معیشت و فقرزدایی	
کاهش فاصله طبقاتی	
برگزاری دوره های حرفه آموزشی و کارآفرینی	
تبادل اطلاعات با سایر جوامع مدنی	اعمال مدیریت دانش در
الگو برداری از نهادهای مشابه بین المللی	پیشگیری از جرم
تشکیل کمیته ای تخصصی با حضور اندیشمندان عرصه علوم جنایی	
آسیب شناسی بزهکاری و رفتارهای جنایی در کشور	
همنویایی و منطبق کردن نظام حقوقی و کیفری ایران با جامعه بین المللی	

استفاده از محققین و مفسرین داخلی و خارجی  
 توانمندسازی و قابلیت های جامعه مدنی در همه زمینه های اجتماعی  
 استفاده از اقدامات و تجربه کشورهای موفق  
 ارتقای نظام تصمیم گیری دانش بنیان  
 توانمند سازی فضای عمومی پیشگیری از جرم  
 مشارکت گرفتن از نخبگان جهت افزایش آگاهی، همبستگی و تعهدات شهروندی  
 تقویت ساختار و نحوه تقویت ارتباطات مستقیم با مردم از طریق دفاتر ارتباطات مردمی و نهادینه کردن آن  
 مدیریت نهادهای جامعه مدنی اصلاح برنامه ها و اقدامات آسیب زا  
 بازبینی برنامه های آسیب زا  
 تعاملات عینی و واقعی بین نهادهای وابسته به جامعه مدنی  
 تشکیل کمیته های مشترک  
 اجرای برنامه های مشترک

ج) تدوین شبکه مضامین: قبل از تدوین شبکه مضامین ابتدا در ذیل **Error! Reference source not found.** تعداد مضامین ف راگیر، سازمان یافته و پایه ای مدل مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران مستخرج از داده های کیفی حاصل از مصاحبه نیمه ساخت یافته با خبرگان حوزه حقوقی نشان داده می شود.

جدول ۲. تعداد مضامین های مختلف مدل مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان یافته	مضامین پایه
۱	راهکارهای برون سازمانی	روزآمدی و مرتفع نمودن مشکلات قانونی و حقوقی اتخاذ سیاست جنایی پیشگیرانه مرتفع نمودن مشکلات اجرایی و تقویت جایگاه جامعه مدنی تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه فرهنگ سازی و آموزش همگانی مرتفع نمودن مسائل اقتصادی و اجتماعی	۸۹
۲	راهکارهای سازمانی	اعمال مدیریت دانش در پیشگیری از جرم تقویت ساختار و نحوه مدیریت نهادهای جامعه مدنی	۱۱ ۶
تعداد کل	۲	۸	۱۰۶

همانگونه که **Error! Reference source not found.** نیز نشان می دهد؛ مدل آسیب های نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران براساس مصاحبه نیمه ساخت یافته با ۱۲ نفر از خبرگان و صاحب نظران مرتبط با حوزه حقوقی از ۲ مضمون فراگیر، ۸ مضمون سازمان یافته و در نهایت با ۱۰۶ مضمون پایه ای به اشباع نظری رسیده است.

مرحله دوم: اکتشاف متن: همانگونه که یافته های به دست آمده در جداول فوق نشان می دهند؛ مدل شبکه ای مطلوب نقش جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در ایران از دو مضمون فراگیر شامل: الف- راهکارهای برون سازمانی و ب- راهکارهای درون سازمانی تشکیل شده است.



## نتیجه‌گیری

اتخاذ سیاست پیشگیرانه با محوریت جامعه‌ی مدنی در نظام جنایی و کیفری از چند منظر می‌تواند بسیار کارساز و حائز اهمیت فراوان باشد زیرا اولاً، جامعه مدنی تنها یک چهارچوب حقوقی نیست، بلکه یک واقعیت سیاسی، اقتصادی، جامعه‌شناختی، روانی، فرهنگی و حتی بازیافته در معماری و شهرسازی جامع است. در جامعه مدنی طی کنش و واکنش‌های نهادهای مدنی رویه‌هایی شکل می‌گیرد که بعداً تصویب شده به شکل قانون در می‌آیند. این قوانین قبلاً در زندگی اجتماعی آزموده شده و محک خورده‌اند، پس قوانین دور و خارج از جامعه نیستند، بنابراین به آن‌ها عمل خواهد شد یعنی در واقع این قوانین به جای اینکه حالت سرکوبگرانه داشته باشند در واقع ترمیمی و پیشگیرانه خواهند بود ثانیاً، بازیگران جامعه مدنی می‌توانند مهارت‌های مقامات دولتی را برای تعامل موثر با جوامع، بهبود اعتماد آنها، ایجاد مشارکت‌های موثر و رفع موانع موجود و غلبه بر بی‌اعتمادی متقابل ایجاد کنند. علاوه بر این، در برخی از جرایم جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی بخاطر ماهیت و زمینه مردمی که دارند بهتر می‌توانند به مبارزه با جرایم بپردازند بررسی مقاله در بخش تحلیل مضمون از طریق مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان جزا و جرم‌شناسی نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست پیشگیرانه کیفری و بهره‌گیری از نهادهای جامعه مدنی در موضوع جرم و جرائم امری اجتناب‌ناپذیر در سیستم کیفری ایران می‌باشد که گر چه در این زمینه گام‌های مهم و اساسی‌ای برداشته شده است و قوانین مناسبی وضع گردیده اما با ایده‌آل‌های موجود بسیار فاصله دارد از این رو مدل مطلوب نقش جامعه‌ی مدنی در پیشگیری از جرم در سیاست کیفری ایران با دو مضمون فراگیر آسیب یعنی: الف- راهکارهای برون سازمانی و ب- راهکارهای درون سازمانی روبه‌رو می‌باشد.

الف- مضمون فراگیر راهکارهای برون سازمانی خود از شش مضمون سازمان یافته شامل: روزآمدی و مرتفع نمودن مشکلات قانونی و حقوقی، اتخاذ سیاست جنایی پیشگیرانه، مرتفع نمودن مشکلات اجرایی و تقویت جایگاه جامعه مدنی، تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه، فرهنگ سازی و آموزش همگانی و نیز مرتفع نمودن مسائل اقتصادی و اجتماعی تشکیل شده است. این امر بیانگر آن است که شش راهکار برون سازمانی جهت اثربخشی نهادهای جامعه مدنی در پیشگیری از جرم در کشور شناسایی و احصاء شده است. بدین ترتیب که از یکسو می‌بایستی به ترمیم، اصلاح و روزآمدی مشکلات و چالش‌های قانونی و حقوقی اقدام نمود. از سوی دیگر به جای تکیه بر سیاست جنایی افراطی و تنبیهی نسبت به سیاست جنایی پیشگیرانه قدم‌های مهمی را برداشت. علاوه بر آن، با مشخص نمودن نقش هر یک از نهادهای پنجگانه جامعه مدنی (اصناف، احزاب، سمن‌ها، رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی مجازی) در مقام قانون‌گذاری و اجرا نسبت به اثربخشی هرچه بیشتر نهادهای جامعه مدنی اهتمام ورزید. علاوه بر آن، بواسطه تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی بین گروهی در جامعه نسبت به تقویت و ارتقاء اعتماد افقی (بین شخصی) و عمودی (نهادی) اقدامات شایسته‌ای را در جهت تعامل و هم‌افزایی با کنشگران اجتماعی و نیز با بازیگران نهادهای مدنی و دولتی به عمل آورد. در نهایت می‌توان از طرق مختلف و خاصه استفاده از ظرفیت‌های حوزه‌های مختلف جامعه مدنی و دولتی نسبت به اطلاع‌رسانی، آگاهی بخشی شهروندان نسبت به مقولات پیشگیری از جرم فرهنگ‌سازی نمود. در نهایت می‌توان با مرتفع نمودن مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی در تعامل با تمامی لایه‌های ساختاری، سازمانی و کنشی نسبت به کاهش و کنترل آسیب‌ها از یکسو و نیز تامین منابع مالی مورد نیاز نهادهای جامعه مدنی جهت عملیاتی نمودن راهبردها و برنامه‌های پیشگیرانه اقدام نمود.

ب- مضمون فراگیر راهکارهای درون سازمانی خود از دو مضمون سازمان یافته شامل: اعمال مدیریت دانش در پیشگیری از جرم و نیز تقویت ساختار و نحوه مدیریت نهادهای جامعه مدنی تشکیل شده است. این امر بیانگر آن است که به منظور آنکه مکانیسم‌های جامعه مدنی بتوانند به ایفای نقش خود در پیشگیری از جرم در کشور مبادرت نمایند؛ لازم است که از یکسو بواسطه اصلاح و بازبینی برنامه‌ها و اقدامات آسیب‌زا،

تعاملات عینی و واقعی با نهادهای وابسته به جامعه مدنی، تشکیل کمیته‌های مشترک و نیز اجرای برنامه‌های مشترک نسبت به ارتقاء ساختار سازمانی و تقویت و نحوه مدیریت اقدامات لازم را به عمل آورند. از سوی دیگر از طریق توجه به مشارکت گرفتن از نخبگان جهت افزایش آگاهی، همبستگی و تعهدات شهروندی، استفاده از اقدامات و تجربه کشورهای موفق، الگوبرداری از نهادهای مشابه بین‌المللی، تشکیل کمیته‌ای تخصصی با حضور اندیشمندان عرصه علوم جنایی و... در رابطه با بعد گردآوری دانش؛ توانمندسازی و قابلیت‌های جامعه‌ی مدنی در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی، آسیب‌شناسی بزهکاری و رفتارهای جنایی در کشور و... در رابطه با بعد کاربری دانش، تبادل اطلاعات با سایر جوامع مدنی و نیز هم‌نوایی و منطبق کردن نظام حقوقی و کیفری ایران با جامعه بین‌المللی در رابطه با بعد تسهیم دانش قدم‌های موثری را بردارند.

#### پیشنهادات

الف- مرتفع نمودن آسیب‌های برون سازمانی ساختاری (شامل: روزآمدی و مرتفع نمودن مشکلات قانونی و حقوقی، اتخاذ سیاست جنایی پیشگیرانه، تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه)، سازمانی و کنشی (شامل: مرتفع نمودن مشکلات اجرایی و تقویت جایگاه جامعه مدنی، فرهنگ سازی و آموزش همگانی و نیز مرتفع نمودن مسائل اقتصادی و اجتماعی) اقدام لازم مد نظر قرار گیرد.

ب- از سوی دیگر پیشنهاد می‌شود نسبت به مرتفع نمودن آسیب‌های درون سازمانی در سطوح ساختاری (نظیر: تقویت چارت سازمانی گرفته تا تدوین سند راهبردی، آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل اجرایی و...) و مدیریتی (نظیر: اعمال مدیریت دانش و نیز نحوه مدیریت نهادهای جامعه مدنی) اقدامات موثری صورت گیرد.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

### Introduction

In recent years, the role of civil society in crime prevention has gained significant attention, particularly in contexts where the limitations of traditional criminal justice systems have become evident. Civil society, understood broadly as the space outside of the family, market, and state, comprises a range of organized groups, including non-governmental organizations (NGOs), social movements, trade unions, religious groups, and online communities (Mackey, 2021). The relationship between civil society and crime prevention has evolved, particularly in the context of modern criminological theories, which emphasize preventive and restorative approaches over punitive measures.

The transition from punitive criminal policies to preventive and restorative approaches is reflective of the broader trends in modern legal systems. As Gessen (1997) notes, preventive criminal policy focuses on reducing the opportunities for crime without necessarily relying on punitive measures (Dashti & Shahid, 2022). This aligns with Ebrahimi's (2008) assertion that crime prevention involves non-coercive measures taken by the state to control criminal activities through environmental and social management (Ebrahimi, 2008).

Iran, like many other countries, has seen a growing recognition of the role of civil society in crime prevention. The adoption of restorative justice mechanisms, the involvement of NGOs, and the emphasis on public education reflect this trend. In this context, civil society plays a pivotal role not

only in advocacy but also in creating social capital, promoting awareness, and facilitating public engagement in crime prevention efforts (Hosseini & Nozari Fardousieh, 2014). However, despite the increased focus on civil society's role, significant gaps remain in Iran's criminal justice system concerning the operationalization of civil society's functions, particularly in integrating these efforts within the framework of the country's legal and regulatory environment (Tavasoli Zadeh, 2013). The present study aims to design an optimal model for the role of civil society in crime prevention within the Iranian criminal justice system.

### **Methods and Materials**

This study employs a thematic analysis approach to design an optimal model for the role of civil society in crime prevention within the Iranian criminal justice system. The research data were collected through semi-standardized interviews with 12 experts in the fields of criminal law and criminology. These experts were selected using theoretical sampling to ensure a diverse and informed set of perspectives.

The interview data were subjected to a thematic network analysis, which involves identifying base themes, organizing themes, and generating overarching themes. This method allowed for the construction of a conceptual model of civil society's role in crime prevention. Data validation was achieved using communicative validation and auditing methods, while reliability was assessed through repeatability and transferability measures.

### **Findings**

The thematic analysis revealed two main categories of strategies for enhancing civil society's role in crime prevention: external and internal strategies.

**External Strategies:** These include updating and resolving legal and regulatory issues, adopting preventive criminal policies, addressing implementation problems, strengthening the position of civil society, enhancing social capital, promoting public education, and resolving socio-economic issues. Specifically, the legal framework in Iran needs reforms to better accommodate the functions of civil society organizations. For example, increasing transparency in laws related to NGOs and enhancing the role of community mediation have been identified as critical areas of improvement. Additionally, fostering social capital through trust-building initiatives and public participation was found to be essential for effective crime prevention.

**Internal Strategies:** These strategies focus on improving the internal functioning of civil society organizations. Knowledge management, capacity building, and organizational restructuring were identified as key factors. Civil society organizations in Iran often face structural challenges that hinder their effectiveness in crime prevention. Enhancing their internal governance, developing their capacities for knowledge-sharing, and aligning their goals with broader criminal justice objectives were emphasized as necessary steps for their success.

The study also identified specific socio-economic issues that need addressing, such as poverty and unemployment, which contribute significantly to crime rates. The findings suggest that civil society's involvement in addressing these issues can have a preventative effect on crime.

### **Discussion and Conclusion**

The findings of this study underscore the critical role that civil society can play in crime prevention within the Iranian criminal justice system. Both external and internal strategies are essential for optimizing this role. Externally, there is a need for legislative reforms and policy shifts towards more participatory and preventive approaches. Civil society must be integrated into the criminal justice system as a key player in shaping policies and implementing crime prevention strategies. Internally, civil society organizations need to enhance their organizational capacities, particularly in knowledge management and strategic governance. This will enable them to be more effective in addressing the root causes of crime, such as socio-economic disparities, and in fostering public trust and engagement. The study suggests that a successful crime prevention model in Iran would involve close collaboration between civil society and government institutions. This partnership would be critical in mobilizing resources, promoting public awareness, and addressing socio-economic factors contributing to crime. Furthermore, the role of civil society in fostering social capital, through initiatives aimed at community engagement and trust-building, is particularly vital in a society where

public trust in formal institutions may be low. In conclusion, the study provides a framework for understanding and enhancing the role of civil society in crime prevention in Iran. By adopting a dual approach that focuses on both external legal reforms and internal organizational improvements, civil society can significantly contribute to reducing crime and promoting social cohesion. The findings highlight the importance of a holistic approach that involves legislative, social, and economic reforms to address the multifaceted nature of crime.

## References

- Bos, M. (1977). The Recognized Manifestations of International Law. *German Yearbook of International Law*, 20.
- Boulanger, J. (1997). Principles of Law and Positive Law. *Law Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*(36).
- Cochet, N., Dine, P., & Pellé, A. (2003). *Public International Law*. Information Publications.
- Cohen, T. H. (2013). *Global Political Economy*. National Center for Globalization Studies.
- Consrirat, C., & Eiesman. (2005). *Repertory of International Arbitration Jurisprudence* (Vol. 1).
- Danilenko, G. M. (1993). *Law Making in International Communities*. Martinus Nijhoff Publishers.
- Dissenting Opinion of M. Alvarez, Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (1951).
- Einchengreen, B., & Kenen, P. B. (2014). Managing the World Economy Under the Bretton Woods System: An Overview. In P. Kenen (Ed.), *Managing the World Economy: Fifty Years after Bretton Woods*. Institution for International Economics.
- Fakhri, M. (2014). National and Transnational Actors in the Globalization Process. *Quarterly Journal of Strategic Globalization Studies*(11).
- Falsafi, H. (2004). *The Case of Interpretation in the International Court of Justice*. Iranian Association for United Nations Studies.
- Falsafi, H. (2012). *International Treaty Law*. Farhang-e Nashr-e No.
- Fitzmaurice, S. G. (1957). The General Principles of International Law Considered from Standpoint of the Rule of Law. *Hague Academy, II*.
- Higgins, R. (2003). *Problems and Process: International Law and How We Use It*. Clarendon Press.
- Kasme, B. (1960). *La Capite? De Lo'rgnisation Des N.U. De Conclure Traite?s*. L.G.D.J.
- Kolb, R. (2006). Principles as Sources of International Law (with Special Reference to Good Faith). *Netherlands International Law Review*, 53, 1-36. <https://doi.org/10.1017/S0165070X06000015>
- Krasner, S. D. (1999). *Sovereignty: Organized Hypocrisy*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9781400823260>
- Lapidoth, R. (1990). International Law at the Time of Its Codification: Essays in Honour of Roberto Ago. *ILR*, 24(1). <https://doi.org/10.1017/S002122370000981X>
- Lauterpacht, H. (1982). *The Development of International Law by International Court*. Cambridge University Press.
- McNair, A. D. (1986). *The Law of Treaties*. Oxford University Press.
- Neuhold, H. (2005). The Inadequacy of Law-making by International Treaties: Soft Law as an Alternative? In R. Wolfrum & V. Röben (Eds.), *Developments of International Law in Treaty Making* (pp. 40-47). Springer.
- Panezi, M. (2017). Sources of Law in Transition: Re-Visiting General Principles of International Law. *Ancilla Iuris*, 2.
- Rouhi, E. (2015). <http://unstudied.ir>
- Ruda, J. M. (1991). *Some of the Contributions of the International Court of Justice to the Development of International Law* (Vol. 24).
- Sadat-Midani, H. (2008). *The Legislative Authority of the Security Council*. Political and International Studies Office.
- Separate Opinion of Judge Alvarez, Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, (1949).
- Shamloo, S. (2014). *The Relativity of the International Court of Justice's Rulings*. Shahr Danesh.
- Sloane, R. D. (2002). The Changing Face of Recognition in International Law: A Case Study of Tibet. *Emory International Law Review*, 16, 107.
- Statehood and recognition*. <http://fds.oup.com/www.oup.co.uk/pdf/0-19-922842-6.pdf>
- Van der Vlies, I. C. (2008). Legislation in a Global Perspective. In J. Arnscheidt, B. van Rooij, & J. M. Otto (Eds.), *Lawmaking for Development*. Leiden University Press.
- Zarneshan, S. (2013). *Formation and Recognition of Customary International Law*. Ganj Danesh.
- Ziai-Bigdeli, M. R. (2009). *International Treaties Law*. Ganj Danesh.
- Zolayni, P. (1998). *Fundamentals of Public International Law*. Political and International Studies Office, Ministry of Foreign Affairs.